بازنشر دو ترجمه ادبی از احمد سمیعی گیلانی

عیار هفت‌خط

شرق: «برادرزاده رامو» اثر دنی دیدرو، از نخستین ترجمه‌های احمد سمیعی‌گیلانی است که به دهه چهل بازمی‌گردد. این اثر گفت‌وشنودی برکتابه میان فیلسوف یعنی خود دیدرو و عیّار هفت‌خط کولی‌صفتی به نام ژان فرانسوا رامو است که برادرزاده سازنده آهنگ «هند مجلس‌آرا» بود و در زندگی به همه کاری دست می‌زد. کتاب دو مقدمه خواندنی نیز دارد که این انسو و زمینه و بافت تاریخی آن را شرح می‌دهد تا مخاطب با ژرف‌نگری بیشتر سراغ ماجرا برود و ظرایف و دقایق اثر دیدرو را درک کند. در یکی از مقدمه‌ها «درباره برادرزاده رامو» آمده است که فرانسه برملاشدن نبوغ دیدرو یا مرحوم دو نوبسنده آلمانی است که خود جالب توجه است: «به یمن وجود شیلر از راک قدری‌مشرب خبر یافتم‌ایم و برادرزاده رامو را نیز از گوته داریم». ماجرای از این قرار است که به احتمال زیاد «برادرزاده رامو» در سال ۱۷۶۲ نوشته شده و پیش از آنکه فلاسوفیان از وجودش آگاه شوند، به دست گوته به زبان آلمانی ترجمه شده است و فدریک کارل ان را شاهکار بی‌همتای «جدل» خوانده است. در سده نوزدهم، این کتاب از روی نسخه‌های کمویبش صحیحی که مفقود شده‌اند به چاپ رسید تا اینکه سرانجام در سال ۱۸۹۱، زرژ

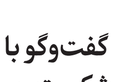

مونوال حین کاوش در بساط یکی از دست‌فروشان سکوی ساحلی رود سن، دست‌نویس آن را به خط خود مصنف پیدا کرد. هرچند این دست‌نویس عنوان «مجاتیه دوم» داشت، کاشف آن، از روی نقل قولی از هوراس که به دست دیدرو نوشته شده بود، به هویت کتاب پی برد و این کشف به فرضیات برخی از آلمانی‌ها، که آن اثر را به گوته نسبت می‌دادند، پایان بخشید. البته خود گوته نیز پیش از این، انتساب این اثر را به خودش رد کرده بود. به هر تقدیر گوته نقش خود را در شناساندن دیدرو ایفا کرده و حالا نوبت به فرانسویان رسیده بود. مونوال به محض کشف نسخه «برادرزاده رامو» آن را به چاپ رساند اما ماجرا به همین‌جا ختم نشد و سفرهای دور و دراز دست‌نویس دیدرو ادامه داشت و نسخه مونوال نیز مانند ترجمه‌ای که در سال ۱۸۰۵ به دست مادام دو وادنول تدوین شده بود، پس از مرگ او ناپدید شد. اما مضمون کتاب که

آن را شاهکار جدل خوانده‌اند، چنان‌که در مقدمه آمده است «برادرزاده بی‌کمان آن بهره دیگر فیلسوف است که به حکیم اخلاقی زمانه دهرکجی می‌کند تا واقعیت تلخ عصر خویش را بنمایاند. و وقاحت و بی‌آزرمی کلبی‌صفتش، به همان درجه که خود آن را سرچاه اخلاقی می‌پندارد، کاری و کوبنده است». در لابه‌لای جواب‌های مختصر، شاهد تلاش جامعه‌ای هستیم که جز پروردن کسانی که در حاشیه نظامات آن زیست می‌کنند، در شکاف‌ها و ترک‌های آن می‌خزند، و چون تکیه‌گاهی نمی‌یابند، تنها به حساب منافع خویش عمل می‌کنند. کاری از دستش برنیامده است». اینکه «برادرزاده رامو» بر مبنای دیالوگ و جدل دو شخصیت محوری می‌گردد موجب شده تا آن را بهتر از هر اثر فلسفی جدلی بخوانند. اثری که از دیدروی فیلسوف رنمانی می‌کند و از نسبت او با فلسفه پرده برمی‌دارد.

از دیگر ترجمه‌های سمیعی گیلانی که مربوط به دهه چهل است و مانند «برادرزاده رامو» چندی پیش از در انتشارات علمی و فرهنگی، تجدیدچاپ شده است، می‌توان به «دلدار و دلباخته» ژرژ ساند اشاره کرد که شاگرد روسو بود و ازاین‌رو شاید به‌قول مترجم به «تب رمانتیک» مبتلاست. چنان‌که در مقدمه آمده است «دلدار و دلباخته» شرح مناسبات عاشقانه ژرژ ساند و آلفره دوموسه است که به «عشاق ونیز» شهرت یافته‌اند. «هنوز درست یک سال از مرگ موسه نگذشته بود که ژرژ ساند نگارش آن را آغاز نهاد و ظرف کمتر از یک ماه، به پایان رساند». با وجود اینکه این اثر از واقعیت مایه می‌گیرد اما نه چندان مطابق با واقع است که بتوان آن را خاطره دانست و نه چندان دور از واقع که داستان شمرده شود. خود ژرژ ساند مدعی است که در آن، پاره‌هایی چند از زندگی خویش را نه قلب بلکه تنها کتمان کرده است. همچنین در این اثر، تحلیل‌های روان‌شناسی باریک‌بینانه، نظراتی بدیع درباره هنر و تجلیات نبوغ و نقاشی‌های استادانه‌ای از طبیعت می‌توان یافت. در این اثر ما با شخصیت‌هایی مواجهیم که تحول می‌یابند. طبیعت آنان رو به ویرانی می‌گذارد و از نو ساخته می‌شود.

خلوت فکرِ احمد سمیعی گیلانی و گلگشت‌های ادبی و زبانی او

زایش فکر از فکر

شرق: از آثار تألیفی احمد سمیعی‌گیلانی کتاب «خلوت فکر» می‌تواند جنبه‌های کاری مختلف این ادیب را نشان دهد که در زمینه‌های مختلف علوم انسانی و اجتماعی، ادبیات و زبان‌شناسی و ویراستاری مقالات و آثار پژوهشی درخور دارد. او در مقدمه این کتاب به علاقه‌اش به مسائل تجریدی و نظری و فلسفه اشاره می‌کند که یکی از دلایل آن، درس مسائل فلسفی استاد یحیی مهدوی‌فیض بوده و همچنین درس منطق استاد فاضل‌توئی که در دوران تحصیلات عالیه، محضر این اساتید را تجربه کرده است. سمیعی‌گیلانی که در زمان انتشار «خلوت فکر» نودوشش سال دارد، می‌نویسد اکنون نیز به این مسائل -مسائلی که کلنجارفتن با آنها نوعی فکر در مایه فلسفی می‌طلبد - علاقه خاص احساس می‌کنم. او به زایش فکر از فکر اشاره می‌کند و از تجربه خود چنین می‌نویسد: «در نوشتن مقاله‌ای در موضوع معین، دیدم ابتدا تز اصلی (جامعیه) در ذهنم جوانه می‌زد سپس این جوانه، با تداعی‌ها و روابطش با پدیده‌های دیگر همچنین، با نگاه به آن از زوایای متعدد حتی با تقابل و چالش با خود خود، شاخ و بال می‌رویاند و ریشه می‌دواند و به درختی تناور و استوار بدل می‌شود. در همه اینها شاهد زایش فکر از فکر بودم و این زایش را خصیصه ذاتی فکر دیدم. در جهان دانش، نظریه‌ها از همین کاریز سر در می‌آورند. نظریه‌ها هرچند با وسعت‌افزودن فضای تجربه و پیشرفت فناوری تغییر می‌کنند، در ذات، همین خصیصه مشترکند». کتاب «خلوت فکر» شامل مقالاتِ احمد سمیعی‌گیلانی در باب فلسفه و علوم اجتماعی است که علاوه بر تحقیق و تتبع ماحصل تأملات و تجربیات او

در این زمینه‌هاست و همین آگنداکردن به ترجمه صرف و تلفیق نظرات صاحب‌نظران با عقیده خود مؤلف است که به متن‌های کتاب ارزش افزوده بخشیده است. برخی مقالات کتاب به متفکران و فلاسفه مطرح مربوط است و برخی دیگر مفاهیم و مقولات مهم اجتماعی، سیاسی و فلسفی را دستمایه خود قرار داده؟ از برتراند راسل و شارل بکی و دیدرو تا ابن خلدون و زردشت و دین ایرانی و مفاهیمی همچون آزادی و علوم انسانی، روش تحقیق در عرصه علوم تجربی و علوم اجتماعی، عدالت، دموکراسی و جامعه و قدرت اقتصادی. مؤلف در هر مقاله به‌اقتضای موضوع آن به پیشینه و تعریف مقولات پرداخته و زمینه تاریخی آن را آورده سپس به فرائتی مفاهیم ارایی مفاهیم دست می‌زند. برای نمونه مقاله «درباره دموکراسی» از این شیوه پیروی می‌کند: سمیعی‌گیلانی در مقدمه به دگرگونی تاریخی مفاهیم اشاره می‌کند و می‌نویسد: «مفاهیم را در سیر تاریخی آنها و در دگرگونی‌هایی که یافته‌اند باید فهم کرد. در مفهوم دموکراسی... بر اثر فرق‌های فاحش بستر اجتماعی آن، گسیختگی وجود دارد. مفهوم آن در یونان باستان و در عصر جدید، به تبع تفاوت مفهوم شهروند، فرق آشکار دارد. حتی می‌توان گفت رویکرد فیلسوفان و متفکران به مفهوم دموکراسی در عصر جدید قبل از تحقق آن و پس از تحقق آن فرق کرده است». او اشاره می‌کند فیلسوفانی که درباره دموکراسی اظهارنظر کرده‌اند، عموما موضع مخالف یا مشروط و مقید نسبت به آن داشته‌اند. و بعد از افلاطون و ارسطو و دیگران نقل‌قول می‌آورد و نتیجه آنکه «می‌بینیم که سیاهه اقوال فیلسوفان پیش از تحقق دموکراسی نمودار تنوع اصولی جدّی‌ای نیست و عموم این صاحب‌نظران در قبال دموکراسی موضع مخالف یا انتقادی دارند». بعد نوبت به اسینیوزا و کانت و روسو می‌رسد و مفاهیم مرتبط با دموکراسی بررسی می‌شود. شامل قدرت مطلق، آنارشیسم، مردم‌سالاری و نیز مقولاتی که معاصر ماست و پس از تحقق دموکراسی همچنان به‌عنوان مسائل لاینحل نظری درباره آن نقد و بحث می‌شود؛ ازجمله بحران لیبرالیسم دموکراتیک، سوسیالیسم و نسبت آن با دموکراسی. زمینه‌سازی برای تحقق دموکراسی و توتالیتاریسم، بیروکراسی و حکومت رسانه‌ها که پایان‌بخش این مقاله است. احمد سمیعی‌گیلانی که به مقالات دقیق خود در زمینه‌های ادبیات و فرهنگ نیز شهرت دارد در دفترهای «گلگشت‌های ادبی و زبانی» مجموعه مقالات خود در این زمینه را گردآورده و به‌این‌ترتیب، تقریبا تمام مقالات او نوشته‌ها و تأملات بیش از شش دهه کار حرفه‌ای او، از تألیف و ترجمه و گزارش، اینک از طرف نشر هرمس منتشر شده و در دسترس است.

گفت‌وگو با **احمد سمیعی گیلانی**

به مناسبت بازنشر کتاب «هزیمت یا شکست رسوای آمریکا در ایران»

مصدق خود را قربانی کرد

شیما بهره‌مند

«سال ۱۳۴۴ یا ۱۳۴۵ بود که در زندان سیاسی (بند ۳، زندان قصر) به سر زد شش دفترمشوی را از بای بسم‌الله تا تای تمّت بخوانم. این کار البته خلوتی می‌طلبید که در ساعات بیداری زندانیان دست نمی‌داد. این، بار نخستی نیست که احمد سمیعی‌گیلانی در زندان در یک خواندن می‌افتد. به قول خودش در چند باری که در دوران پهلوی دوم به زندان افتاد و در هر نوبت که کتاب در دسترس داشتند، زندان به شکل دیری درمی‌آمد که مناسک آن تنها خواندن و نوشتن بود. شاید از این رو است که مهم‌ترین ترجمه‌های سمیعی‌گیلانی در دهه چهل، در زندان قصر اتفاق افتاد و نیز خواندن شش دفترمثنوی که او در ساعاتی از سکوت شب در راهروی زندان، روی «صندلی شبیه صندلی کلاس درس» آن را خواند و به درک تازه‌ای از مولانا رسید. اما این بار، اوایل دهه شصت است که احمد سمیعی‌گیلانی به‌عنوان مترجم مسلط به زبان فرانسه برای شرکت در نمایشگاه کتابی در فرانسه راهی این کشور می‌شود و در یکی از سیساحت‌هایش در کتاب‌فروشی‌های پاریس به کتابی برمی‌خورد که از شکست رسوای آمریکا در ایران سخن می‌گوید. این کتاب به فاصله‌ای اندک از چاپش در زبان انگلیسی به زبان فرانسه ترجمه شده و همین امر، توجه سمیعی‌گیلانی را به خود جلب می‌کند. بعد که کتاب را می‌خواند، تداعی‌ها و تحلیل‌ها و حتی شدیت با ایده‌های خودش با البته اطلاعات دست اول و کاربردی کتاب، او را به این نتیجه می‌رساند که این کتاب امکانی برای شناخت بیشترکدشته ما است و ازاین‌رو ترجمه آن را دست می‌گیرد. از جاب اول این کتاب، قریب به چهار دهه می‌گذرد و دیگر می‌توان با فاصله از وقایع کتاب، بدون پیش‌داوری و قضاوت‌های سردستی بسرایی در آنها دارد. احمد سمیعی‌گیلانی شاید با تأکید بر این نکته است که همچنان خواندن این کتاب را برای درک تازه‌ای از تاریخ معاصر و بینشها می‌دهد. او که خود در زمانه هژمونی چپ در جهان و ایران، به دایره چپ نویسته است. مهم‌ترین دلیل وقایع آن دوران را جدال شوروی کمونیستی و آمریکا می‌داند و اینکه، چپ توده و گسترش و نفوذ آن در ایران را به ابزاری برای جلوگیری از خطر نفوذ کمونیسم، از هر راهی استقبال می‌کرد. آمریکا نبایل داشت حکومتی در ایران برقرار شود که بتواند جلوی جناح چپ بایستد و جتی مانع از این ژیرتجا چکمه‌های فزاق‌های شوروی بود».

احمد سمیعی‌گیلانی اکنون صدویک ساله است و سالیانی از وقایع آن روزها می‌گذرد. او با اینکه اعتقاد دارد حزب توده ایران خدمات درخورتوجهی کرده و عده بسیاری را سیاسی بار آورده است. خاطره تعصبات آن دوره را هم به یاد دارد که بر درک درست از شرایط غبار می‌پاشید. او خاطر دارد که در حزب توده، میان کمیته مرکزی و کمیته ایالتی، دیواری وجود داشته؛ اما او که در آن زمان سی‌وچند ساله بوده و همفکرانش، انتقاد علیه مواضع حزب را به یاد دارد که بر درک درست از شرایط غبار می‌پاشید. دیواری وجود داشته و طرفدار مصدق بود؛ اما بخش دیگر درست در دخدمت شوروی و منویات آنکه، تحلیل درست‌تری از شرایط داشت